

# قوه قضایه، تغییرات بنیادین یا جابه جایی مهره ها

بر این قوه بوده است. در این مورد «عصر ما» ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، شماره ۱۲۱، چهارشنبه ۱۹ خرداد، می نویسد: «مروری بر سیر حرکت انقلاب پس از پیروزی و شکل گیری و اكمال نظام جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ نشاندهند آینه - قوه قضایه و نیروهای نظامی و انتظامی، بسوی غیر سیاسی شدن و قرار گرفتن در مقام نظارت و داوری حرکت کرده است. پس از قرار گرفتن آقای یزدی در راس قوه قضایه این روند جهتی معکوس یافت و بر خلاف دوره ریاست آیت الله موسوی اردبیلی قوه قضایه وارد معادلات سیاسی شد.» عصر ما در ادامه به مشکلات ساختاری قوه قضایه اشاره می کند و به عنوان نمونه از

در صفحه ۳

طی حکمی علی خامنه ای ولی فقیه رژیم اسلامی، سید محمود هاشمی شاهرودی را به عنوان رئیس جدید قوه قضایه رژیم ولایت فقیه منصوب کرد و به این ترتیب دوران ده ساله ریاست محمد یزدی که به دلیل عملکردهای آشکارا ضد مردمی اش بخصوص بعد از جنبش دوم خرداد، امکان ابقای او را در این پست بر مرتجعان حاکم دشوار کرده بود خاتمه یافت. در همین مورد جناح های درون حکومتی قبل و بعد از این انتصاب به عملکرد قوه قضایه پرداخته و جابه جایی کنونی را نوید دهنده آن می دانند که تحولات بنیادین در سیستم قضایی ایران پدید خواهد آمد. آنها سعی در القای این مسئله دارند که نارسایی های موجود در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران ناشی از عملکرد مخرب و جناحی یزدی طی دوران ریاست او

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۶۶، دوره هشتم  
سال شانزدهم، ۲۳ شهریور ۱۳۷۸

## اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

### دست به خون آلوده نظامیان اندونزی از تیمور شرقی کوتاه!

روند تحولات روزهای اخیر در تیمور شرقی به صراحت نمایشگر اینست که نظامیان اندونزی در ادامه سیاست های سرکوب گرانه ۲۵ ساله خود، حاضر به قبول رأی مردم تیمور شرقی و استقلال این کشور نیستند. نتیجه همه پرسش تیمور شرقی، در روز ۸ شهریور، که در جریان آن ۷۸/۵ درصد صاحبان رای، با وجود تهدید های علنی و جو ترور و سرکوب ایجاد شده توسط نظامیان و شبه نظامیان دولت اندونزی، به روشنی خواست خود را پیرامون پایان دادن به اشغال این جزیره توسط اندونزی ابراز داشتند، قاعدتاً می بایست آغاز دوران نویی در تاریخ و زندگی مردم ستمدیده تیمور شرقی باشد، اما همان گونه که پیش بینی می شد و برطبق برنامه از پیش تنظیم شده ای، گروه های شبه نظامی وابسته به دولت

در صفحه ۵

### در این شماره

حزب توده ایران حکم اعدام چهار دانشجوی مبارز را محکوم می کند

۲ هی

بنیاد مستضعفان، اختاپوس مالی رژیم ولایت فقیه

۲ هی

# بحثی پیرامون علل و زمینه های بحران برنامه «توسعه سیاسی»

اشاره به اینکه انقلاب بهمین خط بطلان کشید بر روی استبداد زدگی در میهن ما، تاکید کرد که: «من در اینجا نمی خواهم وارد مباحث علمی بشوم که آیا رأی مردم دخیل در مشروعیت نظام هست، البته شریعتش حرف دیگری است... به هر حال در انقلاب رأی مردم تعیین کننده است نه تنها این انقلاب را مردم با رأی خودشان و نه یک گروه و یا یک دسته یا یک فرد با تکیه بر نیروی نظامی و زور این انقلاب بر این اساس پیروز نشد بلکه بر اساس رأی مردم پیروز شد.» و سپس در جای دیگر همین مصاحبه، ضمن اشاره به بحران های شدیدی که دولت او پشت سر گذاشته است، به این نتیجه می رسد که متفکران و نویسندگان «بیابند بررسی کنند که نظام مردم سالاری در این جامعه مستقر نشده است» (نگاه کنید به روزنامه همشهری، ۱۳ شهریور ۱۳۷۸).

البته نکته اساسی در این مصاحبه این است که آقای خاتمی با وجود آنکه صورت مسئله و مشکلات در زمینه برنامه «توسعه سیاسی» را بدرستی مطرح می کند، راه حلی را برای خروج از بحران نشان نمی دهد و بر خلاف انتظاری که مردم مدت هاست از او دارند روشن نمی کند که موانع اصلی دولت او در این عرصه کدام اند، تنها صحبت های گنگ پیرامون سوء استفاده از مذهب و ایجاد جو تشنج در حالی که سران رژیم علناً مخالفان استبداد قرون وسطایی حاکم را به مرگ تهدید می کنند، تنها نشانه عدم اعتماد دولت به توان و نیروی خود برای انجام برنامه هایش است. در حالی که نزدیک به هفتاد درصد مردم، یعنی اکثریت قاطع مردم به برنامه تحقق جامعه مدنی، که خاتمی آن را در جریان مبارزه انتخاباتی خود طرح کرد، رأی داده اند، تنها بخش کوچکی از قدرت اجرایی حکومتی در دست اوست و

ادامه در صفحه ۶

در پی یورش رژیم «ولایت فقیه» به جنبش دانشجویی و دستگیری و شکنجه انبوه دستگیر شدگان که به گفته دانشجویان به بیش از هزار و پانصد نفر بالغ می شود و پس از آن یورش شدید تبلیغاتی به مدافعان گشایش فضای بسته و استبداد زده جامعه ما و در روزهای اخیر صدور حکم ارتداد برای کسانی که مخالفت علنی خود را با قوانین ضد انسانی و قرون وسطایی رژیم اعلام کنند، جای شک و شبهه ای باقی نمی گذارد که مدافعان «ذوب در ولایت» و یا دقیق تر گفته باشیم سران مرتجع و کارگزاران استبداد یورش سازمان یافته ای را برای باز پس گرفتن سنگر های از دست رفته آغاز کرده اند. نگاهی به مطبوعات مدافع «دوم خرداد» نیز روشن می کند که بحث در میان طیف گسترده و ناهمگون این نیروها بر سر آینده برنامه «توسعه سیاسی» که به گفته خاتمی مهم ترین رکن برنامه دولت او در دو سال گذشته بوده است در ابعاد بسیار گسترده ای در جریان است و شکاف ها و اختلاف نظر ها، از یک سو، بی عملی، بی برنامهگی و تعلل دولت از سوی دیگر در مجموع خاتمی و دولت او را با بحرانی جدی در این زمینه روبه رو کرده است.

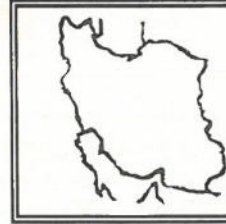
سید محمد خاتمی در مصاحبه با صدا و سیما جمهوری اسلامی، در توضیح برنامه و عملکرد دولت خود در زمینه های گوناگون و در شکافتن علل و ریشه های بحران اجتماعی - اقتصادی بی که جامعه ما را فرا گرفته است از جمله گفت: «بینید جامعه ما از نظر تاریخی یک جامعه استبداد زده است، حکومت ها میهمانان ناخوانده بوده اند که نه به خواست مردم می آمدند و نه به خواست مردم می رفتند و نه به خواست مردم پاسخ می دادند. حق مطلق مال حکومت ها بوده و حکومت ها متکی بر زور خویش بودند، آنچه که هم از مردم می خواستند تمکین و تسلیم بوده است.» خاتمی سپس در ادامه، ضمن

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



بررسی  
رویدادهای  
ایران



تعریف جدیدی از «دگراندیشان»

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۷۸، محسن مجتهد شبستری، امام جمعه تبریز، ضمن دفاع آتشین از سخنان مصباح یزدی درباره اینکه ریختن خون دشمنان اسلام نیازمند به دادگاه و حکم نیست در نماز جمعه از جمله گفت: «آنهايي که در روزنامه ها و رسانه های بیگانه یا احکام شخصیت هایی نظیر آیت الله مصباح یزدی مخالفت می کنند، در واقع مخالف احکام اسلام هستند.» به گفته شبستری «مخالفان و دگراندیشان در واقع همان کسانی هستند که حاکمیت اسلام را نمی خواهند.» شبستری ضمن استقبال از توقیف روزنامه «نشاط» افزود: «این روزنامه با احکام صریح اسلام و قرآن مخالفت کرده بود و مخالفت با احکام اسلام جواب قاطع و مشخصی در اسلام دارد... امت حزب الله [منظور چماق داران و چاقو کشان جنایتکاری هستند که سعید اسلامی از جمله رهبران آنان بود] از این حکم و اقدام خدا پسندانه مقامات قضایی خوشحال هستند.»

عملکرد هشت ساله هاشمی رفسنجانی هنوز نقد نشده است

روزنامه «اخبار اقتصاد»، که به جای روزنامه توقیف شده «نشاط» منتشر می شود، در شماره پنجشنبه ۱۸ شهریور ماه، مصاحبه ای دارد با عباس عبدی پیرامون اظهار نظرهای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران. عبدی در پاسخ به این سؤال که هاشمی در نماز جمعه تلویحاً به نقد برنامه های دولت در زمینه «توسعه سیاسی» پرداخته است می گوید: «... این جمله [هاشمی] نشان می دهد که آقای هاشمی نظرات دیگران را نمی خوانند. توسعه اقتصادی که مانع توسعه سیاسی نیست. توسعه نیافتگی سیاسی مانع توسعه اقتصادی است. سخنان اخیر آقای هاشمی مرا به یاد خطبه های ایشان در سال های ۷۵ و ۷۶ انداخت که در هر نوبت می آمدند و عملکردهای خود را مطرح می کردند. خوب چرا ایشان در خطبه های نماز جمعه خودشان را مطرح می کنند، مگر کسان دیگری نیستند که عملکردهای ایشان را مطرح کنند؟ این نشان می دهد که خودشان نیز اعتقادی به عملکرد خود ندارند. اما عمده طرح های اقتصادی دولت ایشان یک دلیل سیاسی داشت...» عبدی در پاسخ به اینکه چرا هاشمی این مسایل را اکنون مطرح می کند، می گوید: «آقای هاشمی احساس می کند دوره ایشان سپری شده است. امروز برای مردم مسایل دیگری مطرح است. نظر سنجی ها هم نشان می دهد مردم نسبت به دورانی که ایشان روی کار بودند بدبین هستند. مردم احساس می کنند آن دوران دستاوردی جز بدهی های خارجی نداشته است. آقای هاشمی فکر می کند جامعه دوران ایشان را فراموش کرده

است در حالی که این فکر اشتباه است. مخالفان آن دوران به موقع به عملکرد ایشان خواهند پرداخت.» عبدی در جای دیگر این مصاحبه در مورد این اظهار نظر رفسنجانی که مطبوعات بمب منفجر می کنند، گفت: «مطبوعات در این دوره دو بمب منفجر کردند. یکی از بمب های مطبوعات قضیه ثروت های باد آورده بود و آقای کرباسچی بود و پیگیری قضیه قتل ها. خوب ایشان چرا نمی روند به این قضیه ها پاسخ دهند. چون این ها معمولاً عادت ندارند پاسخ دهند. اینها فقط دوست دارند حرف بزنند و یک عده هم حرف آنها را گوش کنند.»

حکم اعدام برای  
چهار دانشجوی  
زندانی

بر اساس گزارش روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۱ شهریور ۷۸، رهبرپور، رییس دادگاه های انقلاب اسلامی تهران، اعلام کرد که حکم اعدام برای چهار تن از بازداشت شدگان صادر شده است که دو مورد آن به تصویب شورای عالی قضایی نیز رسیده است. بر اساس همین گزارش پرونده حدود ۲۰۰ تن از دیگر دانشجویان مبارز نیز در دست بررسی است و نزدیک به ۴۵ از دانشجویان «با ادله کافی و اعتراف صریح متهمین، حکم حبس و جریمه صادر شده است که محکومین در حال تحمل کیفرند.» به گفته رهبرپور در میان متهمین «تعدادی از آنها وابسته به گروهها هستند از جمله افراد وابسته به حزب ملت، اتحادیه دانشجویان و فارغ التحصیلان (گروه منوچهر محمدی)، گروه «مرز پرگهر» و افرادی وابسته به حزب پان ایرانیست و تعدادی از طرفداران گروه طبرزدی که بخاطر گروهی و بانندی بودن اتهام، همچنان پروندهایشان در چارچوب ارتباطات آنها در حال رسیدگی است و پس از قطعیت یافتن تحقیقات رأی نهایی درباره آنها صادر خواهد شد.»

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این احکام ظالمانه بیدادگاه های رژیم «ولایت فقیه»، از همه نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن و سراسر جهان می خواهد تا صدای اعتراض یکپارچه خود را بر ضد این احکام و برای جلوگیری از اجرای آنها بلند کنند. نباید اجازه داد تا بار دیگر رژیم جنایت پیشه حاکم بر میهن ما بتواند خون شماری از آزادی خواهان میهن را بر خاک بریزد.

غرفه «نامه مردم» در جشن  
«صدای خلق»

امسال جشن «صدای خلق»، نشریه حزب کمونیست اتریش، در روزهای ۴ و ۵ سپتامبر، در فضای سبز منطقه پراتر وین، برگزار شد که با استقبال دهها هزار نفر از مردم روبه رو شد. در خلال این دو روز برنامه های سیاسی، فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی گوناگونی تدارک دیده شده بود که شور و هیجان زیادی به جشن داده بودند. همزمان بر روی سه سن بزرگ برنامه های هنری به اجرا در آمدند و در چادرهای دیگر و یا در فضای آزاد، برنامه های کتاب خوانی، شعر خوانی، بحث و مسابقات ورزشی در جریان بود. از آنجا که روز ۳ اکتبر امسال انتخابات پارلمان اتریش برگزار می شود، حزب کمونیست اتریش فرصت را غنیمت شمرد و در طی این دو روز به معرفی برنامه و نامزدهای انتخاباتی خود پرداخت.

در جشن، غرفه های مختلفی از احزاب کمونیستی و کارگری و سازمان های سیاسی مترقی، از جمله از کوبا، حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان، عراق، ترکیه و کشور های دیگر شرکت داشتند. واحد حزب توده ایران در اتریش و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اتریش نیز از جمله شرکت کنندگان در ج «دهکده همستگی» بودند.

غرفه «نامه مردم» با شعار های مختلف فارسی و آلمانی از جمله «طرد رژیم ولایت فقیه» و «آزادی برای زندانیان سیاسی» و «۵۸ سال حزب توده ایران» تزئین شده بود و رفقای حزبی با فروش نشریات و بخش دهها اعلامیه به زبان های فارسی و آلمانی بازدید کنندگان را در جریان آخرین تحولات کشور قرار می دادند. جشن امسال یکی از موفق ترین جشن های سال های اخیر بود.





## ادامه قوه قضائیه تغییرات بنیادین ...

دادگاه کرباسچی یاد می کند و می نویسد: «پس از دادگاه محاکمه شهردار تهران و آشکار شدن ضعف های ساختاری و فنی طرح دادگاههای مدنی عام که مقامات قوه قضائیه نیز ناگزیر از اعتراف به آن شدند بلافاصله اعلام شد قوه قضائیه در جهت اصلاح و رفع نارسایی این طرح اقدام می کند اما با افتادن آب از آسیاب آن وعده ها نیز به فراموشی سپرده شد.»

روزنامه اطلاعات دوشنبه ۲۵ مرداد به نقل از روزنامه انتخاب در این مورد آورده است: «با توجه به اینکه آیت الله هاشمی به عنوان چهره های مستقل و معتدل شهرت دارد، اصلاحات به سمت رشد روند اعتدال در قوه قضائیه دور از نظر نیست. قرار گرفتن سید محمود هاشمی در راس قوه قضائیه، این قوه را، در جدال های سیاسی و مناقشات نه چندان مطلوب، زمانی از استحکام بیشتری برخوردار می کند که بر تقویت بی چون و چرای قانون تاکید ورزد.»

همین روزنامه به نقل از صبح امروز در همان شماره آورده است: «آنچه رنگ خاصی به قوه قضائیه در دوران حاکمیت آقای یزدی بخشیده است، برخی اقدامات شاخص این قوه است که در عرف ناظران نه حاصل عملکرد جاری سیستم قضایی بلکه حاصل تصمیم مسئولان درجه اول آن تلقی شده است. در دوران آقای یزدی به تدریج اهل نظر شاخص هایی برای ارزیابی عملکرد مسئولان درجه اول این قوه یافتند این شاخص ها عبارت بودند از: عملکرد دادگاه ویژه روحانیت در برخورد با روحانیون دارای گرایش هاو دیدگاه های متفاوت از مسئولان قوه قضائیه، برخورد دادگاه مطبوعات با نشریات و روزنامه های مستقل از جناح افتداری، مواضع رئیس قوه قضائیه در سخنرانیهای عمومی و خطبه های نماز جمعه تهران و انتصابهای صورت گرفته توسط شخص رئیس قوه قضائیه.» بر اساس نوشته های بالا که در مطبوعات نیروهای «خودی» انعکاس یافته این طور می شود استنباط کرد که با انتصاب شخصی به نام محمد یزدی، قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل اقدامات خودسرانه این شخص از جاده عدالت خارج شده و عملکرد آن در جهت منافع جناح خاصی از رژیم سوق داده شده است. و چنانچه شخصی جدید مانند هاشمی در راس این قوه قرار گیرد امید می رود روند تخریبی گذشته در مسیر بازسازی قرار گیرد.

چنین برداشتی، مطلقا با واقعیات همخوانی ندارد. افزون بر این، این سؤال نیز مطرح است که چرا و چگونه یک شخص به مدت ده سال بر مسند یکی از مهم ترین ارگان های حکومتی تکیه زده و بنا بر میل و سلیقه خود، هر آنچه را که خواسته انجام داده و به هیچ کس هم جوابگو نبوده است. و باز این سؤال مطرح می شود، بخصوص این سؤال را باید از کسانی کرد که شعار قانون گرایی می دهند، که بر اساس کدام قانون، شخصی در راس یک ارگانی قرار می گیرد و چنین اختیارات نامحدودی را دارد؟

منتقدان به قوه قضائیه سعی دارند با ذکر تعدادی از اقدامات ضد مردمی قوه قضائیه مانند محاکمه کرباسچی، دستگیری شهرداران مناطق تهران، بازداشت و توقیف روزنامه نگاران و روزنامه ها و شخصیت های معترض به ولایت فقیه این چنین اقدامات را برخورد جناحی و سلیقه ای رئیس قوه قضائیه قلمداد کنند. ما هم ضمن محکوم کردن اقدامات ضد مردمی قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه بر خلاف نیروهای درون حکومتی به هیچ وجه معتقد نیستیم که صرف چنین اقداماتی فقط در جهت مقابله با جناح مخالف بوده است، بلکه بر عکس معتقدیم تمامی این تهدیدات، فشارها، زندان ها و حرکات دیگر دقیقا بر ضد خواست های بحق مردمی و در جهت جلوگیری از رشد و گسترش جنبش مردمی صورت گرفته و می گیرد. و باز بر خلاف نیروهای درون حکومتی، معتقدیم که تمامی اقدامات ضد مردمی رئیس قوه قضائیه، بخصوص طی دو سال اخیر با نظر و هماهنگی کامل نیروهایی انجام گرفته که تمامی ارگان های سرکوب را در اختیار داشته و در راس آنها ولی فقیه رژیم قرار دارد.

بیهوده نبود که علی خامنه ای در سخنرانی ای در جمع کارکنان دستگاه قضایی ضمن حمایت قاطع از قوه قضائیه تاکید کرد: «در باب قوه قضائیه، لازم است چند جمله عرض بکنم، اولاً از همه برادرانی که در این قوه زحمت کشیدند، تلاش کردند و این کارهای بزرگ را انجام دادند، حقیقتا باید تشکر کرد. کار، خیلی

سخت است، بخصوص وقتی که نقاط قوت دستگاه، همان چیزهایی است که دشمن روی آنها جنجال می کند! اگر شما ببینید که در این سال های اخیر، دشمنان در تبلیغات خود، روی چه چیزهای قوه قضائیه تکیه کردند و به چه چیزهایی ایراد گرفتند، ملاحظه خواهید کرد که همان چیزها، درست نقاط قوت قوه قضائیه است. هر جا قوه قضائیه قاطعیت به خرج داد، دشمن علیه آن به تبلیغات شدید رادیویی و روزنامه بی در اطراف دنیا دست زد. هر جا قوه قضائیه در اجرای احکام اسلامی و قوانین پافشاری کرد دشمن همان جا جنجال خودش را شروع کرد. نقاط قوت قوه قضایی، همان چیزهایی است که دشمن روی آن تکیه و از آن انتقاد می کند و به آن ایراد می گیرد. بنابراین، لازم است حقیقتا از قضات شجاع و فعالان قوه قضائیه در بخش های مختلف، تشکر کنیم.»

حتی اگر بخواهیم قدری خوشبینانه به مسائل نگاه بکنیم و به خود بقبولانیم که با انتساب هاشمی شاهرودی تغییرات و تحولات بنیادین در این ارگان زور و سرکوب رخ خواهد داد، سولاتی چند مطرح است. به عنوان نمونه، آیا رئیس جدید قوه قضائیه جهت ایجاد تغییرات و تحولات بنیادین برای لغو قانون قرون وسطایی قصاص اقدام خواهد کرد؟ آیا به لغو احکام بربر منشانه سنگسار و اعدام در ملاعام اقدام خواهد کرد؟ آیا دست اندرکاران فعلی رژیم را که با استفاده از موقعیت دولتی خود میلیون ها تومان اموال دولتی متعلق به مردم ایران را به شیوه های مختلف به غارت برده اند به محاکمه خواهد کشید؟ آیا وضعیت زندان های کشور را که در موارد بسیاری به دخمه های قرون وسطایی شباهت دارند و در آن قربانیان رژیم ولایت فقیه را به جرم دزدی، فحشا، اعتیاد و غیره نگهداری می کنند دچار تغییر مثبتی خواهد ساخت؟ آیا از روزنامه های توقیف شده به جرم های واهی که «سلام»، «زن» و «نشاط» جزو آخرین قربانیان آن بودند و طی همین یکی دو سال گذشته مورد هجوم و توقیف قرار گرفته اند رفع توقیف خواهد شد؟ آیا حجت الاسلام کدیور، سعید زاده، امیر انتظام و دهها وصدها زندانی دیگر، بخصوص دانشجویانی که طی عملیات سرکوبگرانه اخیر به جرم ابراز عقیده و مبارزه برای دموکراسی به زندان افتاده اند، و اکنون خطر اعدام شماری از آنان را تهدید می کند، آزاد واز آنها اعاده حیثیت خواهد شد؟ آیا آمرین و عاملینی که به طور وحشیانه و برنامه ریزی شده به تجمعات دانشجویی و سیاسی نیروهای خودی و غیر خودی حمله برده و تجمع کنندگان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند مورد پیگرد و محاکمه قرار می گیرند؟ آیا کسانی که نویسندگان، روشنفکران و نیروهای آزاده و دگر اندیش را به وحشیانه ترین شکل به قتل رساندند مورد محاکمه قرار می گیرند؟

آیا قوانین زن ستیزانه که زنان را فاقد صلاحیت برای امر قضاوت می داند لغو می شود؟ آیا قوانینی که زنان ستم کشیده میهن مان را از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم کرده لغو خواهد شد؟ آیا این تضمین داده خواهد شد که در راس زندانهای کشور جنایتکاری همچون لاجوردی قرار نگیرد و مورد تمجید واقع نشود؟ در این مورد دهها نمونه دیگر را می توان آورد که قوانین موجود قضائیه در جمهوری اسلامی ایران در تضاد آشکار با جامعه مدنی است و جالب آنکه بسیاری از این قوانین قرون وسطایی در زمان پیش از تصدی یزدی بر مسند ریاست قوه قضائیه به تصویب رسیده است. بنا بر آنچه که در بالا گفتیم روشن است که ماهیت قوه قضائیه کشور از آنجا که ریشه در تفکر استبدادی و قرون وسطایی «ولایت مطلقه فقیه» دارد تنها با جابه جایی مهره ها اصلاح ناپذیر نیست. افزون بر این نگاهی به اسامی اعلام شده توسط رئیس قوه قضائیه جدید رژیم ولایت فقیه، برای احراز پست های مهم قضایی کشور که در میان آنها اسامی جنایتکارانی همچون محمدی گیلانی، دری نجف آبادی و رازینی هم دیده می شود، می توان به خوبی به این نکته پی برد که با وجود هیاهوی بسیار در مورد، جابه جایی اخیر، تغییر محمد یزدی نمی تواند زمینه ساز هیچ تحول مثبتی در قوه قضائیه ایران باشد.

نخستین آزمون رئیس قوه قضائیه جدید را نیز می توان در برخورد و بستن غیر قانونی روزنامه «نشاط» به دلیل اعتراض به قوانین ضد انسانی قصاص دید که با استقبال همه جاقو کشان و قداره بندان «حزب الهی» و دژخیمان و جنایتکاران حاکم بر ارگان های سرکوب با استقبال گرم روبه رو شد. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!



## بنیاد مستضعفان اختاپوس مالی رژیم ولایت فقیه

زمین مصادره شده، هزاران فرش نفیس و گران قیمت، اشیاء گرانبها، عتیقه ... می باشد. محسن رفیق دوست در یکی از مصاحبه های خود طی ماه های گذشته اعلام داشت « فقط در ده سال گذشته از محل فروش بخشی از دارایی های بنیاد، ۲۰۰ میلیارد تومان درآمد حاصل شده است. » وی در گزارش خود پیرامون عملکرد ده ساله بنیاد از جمله یادآور شد: « تنها در ده سال گذشته بنیاد مستضعفان ۲۸۰۰ میلیارد ریال سود کسب کرد. در سال ۱۳۶۸ بنیاد حدود ۱۰ میلیارد ریال فعالیت پیمانکاری داشت که میزان آن در سال ۱۳۷۷، به ۲۰۰۰ میلیارد رسید. فعالیت های خارج از کشور بنیاد حدود ۴ میلیارد دلار می شود. »

بعلاوه، بنیاد از طریق نزدیک به ۴۰۰ شرکت وابسته به آن در زمینه های مختلفی از نساجی، پتروشیمی، صنایع شیمیایی، معادن، ذوب فلزات گرفته تا رشته هایی همچون حمل و نقل دریایی - هوایی - زمینی، خدمات بانکی، بیمه، گردشگری (توریسم) و غیره فعالیت می کند.

بر پایه آمار منتشر شده از سوی این بنیاد، ۴۵ درصد از نوابه، ۴۶ درصد از لوله و فلزات و ۳۳ درصد از کل پارچه مصرفی ایران در اختیار بنیاد مستضعفان است.

اداره ۴۳ میهمان سرا و هتل با گنجایش ۵۵۰۰ تخت، ۱۰ دفتر بین المللی جلب گردشگر (توریست)، ۴ مجتمع بزرگ ورزشی - تفریحی، ۵۰ درصد فعالیت های مربوط به صنعت گردشگری و نیز مجموعا مالکیت ۲۱ درصد کل پسته تولیدی ایران به بنیاد مستضعفان تعلق دارد. بیش از ۱۰ درصد کل صادرات و واردات ایران از بنادر متعلق به بنیاد است. این بنیاد ۲۱ فروند کشتی باربری دارد و قرار است در آینده ای نزدیک ۶ فروند دیگر به آن افزوده شود.

بنیاد مستضعفان با ۶۰ هزار کارمند در حدود ۱۲۰ هزار معلول جنگی را زیر پوشش دارد. بسیاری از وزارتخانه ها و ارگان های دولتی مبالغ هنگفتی به بنیاد مستضعفان بدهکار هستند. از جمله وزارت آموزش و پرورش، بیش از ۱ میلیارد تومان به بنیاد مقروض است. بسیاری از ساختمان های در اختیار وزارتخانه های دولتی از اموال بنیاد محسوب می شوند. در سال های اخیر نیز بنیاد از مدافعان و فعالان خصوصی سازی اقتصاد کشور بوده و قدرت و نیروی خود را در این زمینه بکار گرفته است. به این ترتیب، می توان نتیجه گرفت، بنیاد مستضعفان با قدرت مالی انکار ناپذیر خود که در جهت هدف سیاسی معینی بکار گرفته می شود، یک اختاپوس مالی و منبع و منشاء رواج اقتصاد دلالتی و گسترش فساد مالی در جامعه است.

بنیاد مستضعفان همواره سهم معینی را به ولی فقیه اختصاص داده و هم اکنون نیز می دهد، میزان این سهم هرگز بازگو نشده است. رهبران بلند پایه رژیم، بویژه رفسنجانی از نفوذ جدی در بنیاد برخوردار هستند و بسیاری از تباری های مالی و جهت گیری های معین سیاسی به دستور و صلاحدید وی انجام می گیرد. بنیاد نمودار روشن سیما و سرشت سرمایه داری دلالتی و انگلی ایران و مظهر چاول ثروت ملی است. تغییر ریاست بنیاد و جانشینی محمد فروزنده، تغییری در نقش و جایگاه این اختاپوس مالی پدید نخواهد آورد. بنیاد مستضعفان می باید ملی شده و در خدمت گسترش تولید و رشد اقتصادی کشور قرار گیرد.

سرانجام، پس از مدت ها کشمکش آشکار و نهان، علی خامنه ای طی حکمی، محمد فروزنده را به عنوان رئیس جدید بنیاد مستضعفان معرفی کرد. فروزنده جانشین محسن رفیق دوست یکی از منفورترین چهره های جمهوری اسلامی طی دو دهه اخیر است. تغییر در ریاست بنیاد مستضعفان و گزینش فروزنده که وی نیز همانند رفیق دوست دارای سابقه عضویت در مسئولیت های حساس سپاه پاسداران می باشد و از وابستگان جناح رسالت - حجتیه قلمداد می گردد، به هیچ رو به معنای تغییرات اساسی در ماهیت و عملکرد این بنیاد نیست و نمی تواند هم باشد!

آنچه رئیس جدید بنیاد در مراسم معارفه خود عنوان کرد که گویا کوشش خواهد شد فعالیت های اقتصادی این نهاد همگام و هم جهت با دستگاه های دولتی باشد، چیزی جز سخنی بی پشتوانه نیست و حاکی از استمرار وضعیت گذشته در اداره و نقش آن دستگاه است. بنیاد مستضعفان در دو دهه اخیر، نقش بسیار مخربی در ساختار اقتصادی کشور ایفا کرده، و عملا تحت نفوذ و اختیار واپسگراترین جناح های حاکمیت بوده است. نفوذ فراگیر هیات های مولفه به سرکردگی عسکراولادی در این نهاد، بویژه طی دوران ده ساله ریاست محسن رفیق دوست، بنیاد را به اهرمی نیرومند در جهت تامین منافع بخش انگلی سرمایه داری ایران بدل ساخته است.

تاکنون ارزیابی دقیق و معتبری از میزان توانایی مالی بنیاد مستضعفان منتشر نشده و رفیق دوست و شرکاء او، بدون هیچگونه نظارت و ضابطه قانونی به فعالیت های گسترده اقتصادی اشتغال داشته اند، و در این رهگذر ضمن حیف و میل اموال همگانی و متعلق به مردم به ثروت اندوزی از راه دزدی، رشوه و واسطه گیری پرداخته اند. محسن رفیق دوست در همین خصوص، چند هفته پیش از برکناری و یا بهتر گفته شود جابجایی حساب شده، اعتراف نمود: میزان دارایی بنیاد بطور دقیق، قابل تقویم و ارزیابی نیست. این سخن به معنای آن است که هیچ ارگان قانونی ناظر بر فعالیت های بنیاد مستضعفان نبوده و این نهاد تحت ریاست عنصر بی کفایت و فاسدی بنام رفیق دوست، برخلاف قانون و صرفا با نظر و تایید رفسنجانی و عسکراولادی و البته زیر فرمان ولی فقیه اداره می شده است! بنیاد مستضعفان، نه تنها به عنوان یک قدرت مالی پرنفوذ، حضور قاطع در مجموعه روابط اقتصادی کشور دارد و به هیچ مرکز و نهاد قانونی نیز پاسخگو نیست بلکه از معافیت مالیاتی نیز برخوردار است. بر پایه مصوبه ای در مجلس و تایید شورای نگهبان، لغو معافیت بنیادها از پرداخت مالیات فقط و فقط مشروط به نظر ولی فقیه است. علاوه بر اینها باید اضافه کرد که، بنیاد مستضعفان نه تنها بنا به میل ولی فقیه از پرداخت مالیات معاف است، بلکه هر ساله بخشی از بودجه جاری کل کشور نیز به آن اختصاص می یابد.

به عنوان نمونه در لایحه بودجه کل کشور برای سال جاری خورشیدی (۱۳۷۸)، برای بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام خمینی، بنیاد پانزده خرداد، بنیاد شهید و غیره تحت عنوان یاران کالاهای اساسی، ۱۸ درصد از کل بودجه جاری در نظر گرفته شده است. در چنین چارچوبی است که، «سرمایه های سرگردان داخلی» که بالغ بر هزاران میلیارد می شود به شکل نقدبنگی بخش خصوصی در دست باندهای مافیایی و اختاپوس های مالی نظیر بنیاد مستضعفان و کمیته امداد امام خمینی و غیره متمرکز است. این هزاران میلیارد کاملا در فعالیت های غیر مولد - دلالتی و واسطه گیری مورد استفاده قرار می گیرد. قدرت مالی بنیاد مستضعفان و بنیادهای نظیر آن به حدی است که، کارشناسان اقتصادی معتقد هستند، این بنیادها اگر فقط ۵ درصد مالیات بر درآمد خود را پرداخت کنند، مساله کسری بودجه دولت حل خواهد شد. بنیاد مستضعفان به عنوان یک اهرم نیرومند اقتصادی و با بهره گیری از حمایت های سیاسی محافظ قدرتمند درون رژیم، مانند هیات های مولفه و کارگزاران سازندگی و ولی فقیه، نقش تعیین کننده در ساختار اقتصادی کسب نموده و برخی کارشناسان در برآوردهای خود خاطر نشان می سازند که نزدیک به ۴۰ درصد تولید ملی ایران در چنگ این اختاپوس مالی است!

مجموعه دارایی های راکد بنیاد مستضعفان، مشتمل بر میلیون ها متر مربع



ادامه اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

غرفه «نامه مردم» در یازدهمین جشن مطبوعاتی حزب کمونیست آلمان



طی روزهای ۲۷ تا ۲۹ اوت، یازدهمین جشن مطبوعاتی روزنامه عصر ما ارگان مرکزی حزب کمونیست آلمان، در شهر دورتموند، برگزار گردید. این شهر کارگری، در طول سه روز متوالی، شاهد هم بستگی هزاران شهروند آلمانی که از سراسر کشور به دورتموند سفر کرده بودند، با حزب کمونیست آلمان بود.

بر اساس گزارش رسانه های گروهی تا پایان آخرین روز جشن ده ها هزار نفر از غرفه های مطبوعاتی و نمایش گاه های مختلف آن دیدار کردند. نکته قابل اشاره در رابطه با فعالیت خستگی ناپذیر کمونیست های آلمانی این است که رادیو تلویزیون و حتی برخی از روزنامه ها و نشریات دست راستی برای اولین بار برخلاف سال های گذشته که در این مورد سکوت اختیار می کردند، این بار با چاپ عکس و گزارش به حضور و نقش کمونیست ها در صحنه کشور و مبارزه آن ها بر ضد جنگ، بیکاری و کاهش سطح دستمزدها پرداختند. یکی از لایلهای بازتاب این دسته از گزارش ها برگزاری موقیعت آمیز جشن عصر ما و کثرت حضور مردم و هم چنین حضور ده ها حزب کمونیستی و کارگری از سراسر جهان در این جشن بزرگ بود. این جشن امسال نیز هم چون سال های گذشته صحنه هم بستگی بین المللی کمونیست ها از کشورهای مختلف بود. ده ها حزب کمونیستی و کارگری به دعوت حزب کمونیست آلمان در این جشن شرکت کرده و با برپایی غرفه های مطبوعاتی خود جلوه خاصی به این گردهمایی داده بودند. غرفه نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران، هم چون سال های گذشته، دایر بود. با این تفاوت که غرفه حزب این بار در مقایسه با سال های قبل بزرگ تر و فعالیت رفقای توده ای چشم گیرتر بود. رفقای توده ای از همان اولین روز برگزاری جشن با برپا کردن چادر و میز کتاب حزب به تبلیغ و توضیح مواضع و خط مشی حزب توده ایران در بین هم وطنان و دیدار کنندگان خارجی پرداختند. امسال رفقای توده ای با ابتکار جالبی، تعدادی تراکت و پلاکاردها بر آن ها شعارها و طرح هایی با مضمون های مختلف از جمله «ضرورت هم بستگی یا مبارزات قهرمانانه مردم ایران»، «دفاع از جنبش جوانان و دانش جویان»، خواست «آزادی زندانیان سیاسی ایران» و جلب هبستگی با حزب توده ایران و... در گوشه و کنار محل برگزاری این جشن نصب کرده بودند که در مرکز توجه هزاران نفر قرار داشت.

غرفه نامه مردم و چادر حزب، محل تجمع، بحث و تبادل نظر هم میهنان و افراد سایر ملل حول و حوش مواضع حزب و اوضاع بحرانی ایران بود. به دلیل تحولات سیاسی و رشد جنبش مردمی خصوصاً جنبش دانش جویی، اعلامیه ها و نشریات حزب مورد توجه خاصی قرار داشت. بازدید کنندگان خواهان کسب اطلاع از مواضع حزب توده ایران پیرامون سمت و سوی تحولات کشور بودند. علاوه بر این رفقای حزبی در میزگردهای گوناگون با عنوان هایی چون «جنگ به مثابه ابزاری برای پیش برد سیاست های امپریالیستی»، «اروپای واحد و سیاست کمونیست ها»، «جنگ ناعادلانه امپریالیسم (ناتو) بر ضد کشور مستقل یوگسلاوی» و... شرکت کردند. این میزگردها به ابتکار حزب کمونیست آلمان و با شرکت احزاب مختلف برای بحث، گفت و گو و شناخت مواضع یک دیگر تشکیل می شد. نمایندگان احزاب کمونیستی این امکان را داشتند که نقطه نظرات خود را بیان کنند. نکته محوری این بحث ها این بود که چگونه می توان در مبارزه با سیاست های جنایت کارانه امپریالیسم بر ضد خلق ها یک سیاست واحد کمونیستی اتخاذ کرد و متناسب با آن هم یاری و هم کاری بین احزاب را تقویت کرد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که پس از خاتمه جشن مطبوعاتی روزنامه «عصر ما» برخی از روزنامه های ارگان احزاب کمونیستی شرکت کننده با چاپ عکس از غرفه «نامه مردم» گزارش ها و خبرهایی راجع به ایران و مواضع حزب توده ایران بازتاب دادند. شکی نیست که این امر به جلب افکار بین المللی در پشتیبانی از حقوق مردم مبارز ایران در پیکار خود با استبداد یاری خواهد رساند و به افزایش نقش و اعتبار حزب توده ایران در بین احزاب کمونیستی و کارگری و هم کاری بین این احزاب کمک خواهد کرد.

اندونزی در تیمور شرقی در هماهنگی کامل با واحدهای ارتش و پلیس اندونزی با به راه انداختن موج وحشت، ترور، تخریب و گروگان گیری به مقاومت در مقابل خواسته مردم پرداخته اند. در طول روزهای پس از اعلام نتیجه فریاد مردم صدها نفر از طرفداران استقلال تیمور شرقی کشته و ده ها هزارتن از خانه های خود رانده شده اند. شبه نظامیان حاکم به محل سکونت اسقف اعظم کارلوس بلو، دارنده جایزه صلح نوبل حمله کرده و همچنین پدر کساناناگوسامو رهبر جنبش استقلال طلبانه این کشور را به قتل رسانده اند.

گروه های شبه نظامی تحت فرمان و طبق نقشه نظامیان اندونزی، سکوت و بی عملی کشورهای غربی را بی تفاوتی افکار عمومی قلمداد کرده و با ایجاد محدودیت، حمله و تضيیقات ابتدا شرایط خروج خبرنگاران بین المللی و سپس نیروهای محدود ناظر بر فریاد مردم سازمان ملل را ایجاد کرده اند. نظامیان اندونزی که سابقه شان در به خاک و خون کشیدن جنبش مردم این کشور در عملیاتی مشابه در سال ۱۹۶۵ هنوز در خاطر مردم جهان زنده است، سعی کرده اند که با گستراندن جو وحشت، سیاسی چندسویه را به پیش ببرند. آنها امیدوارند که ادامه بحران و جو خشونت بار کنونی به نیروهای ارتجاعی پارلمان اندونزی برای عدم تصویب، به تعویق انداختن یا حتی مردود شمردن نتیجه فریاد مردم و لذا نفی اعطای استقلال به تیمور شرقی بهانه لازم را بدهد. از سوی دیگر اشغال تمامی شهرهای منطقه غربی جزیره تیمور شرقی و تخلیه آن از طرفداران استقلال این امکان را به وجود می آورد که در صورت اعلام استقلال تیمور شرقی، این مناطق از آن جدا شده و به تیمور غربی که بخشی از اندونزی محسوب می شود، بپیوندد، از جانب دیگر جو کنونی امکان عمل نظامیان اندونزی را برای تدارک یک کودتای نظامی و به دست گرفتن عتلی قدرت را فراهم خواهد کرد. محافظ نظامی اندونزی برای اعاده حکومتی شبیه دوران زمامداری سوهارتو و جلوگیری از انتخاب مگاواتی سوکارنو در ماه نوامبر به ریاست جمهوری، از هم اکنون اقداماتی را شروع کرده اند. حزب توده ایران معتقد است که افکار عمومی جهان نباید مردم تیمور شرقی را در این شرایط بحرانی تنها بگذارد. ما بی عملی سازمان ملل متحد در دفاع از مردم تیمور شرقی را نتیجه مستقیم و غیر مستقیم سیاست کشورهای غربی که روابط بسیار نزدیکی با نظامیان حاکم بر اندونزی دارند، می دانیم. کشورهای امپریالیستی در طول دهه ها با کمک های تسلیحاتی و مالی خود نظامیان اندونزی را در سرکوب مردم این کشور و تیمور شرقی یاری داده اند. تاکتیک مکارانه کشورهای امپریالیستی در اینکه استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل باید با تأیید و دعوت دولت اندونزی انجام پذیرد، نمایشگر سیاست آنان به ادامه همکاری با سرکوب گران حاکم در جا کار تاست که با اقدامات خود شرایط خروج هیأت سازمان ملل را فراهم کرده اند. افکار عمومی جهان فراموش نکرده است که سران کشورهای امپریالیستی چگونه در بحران یوگسلاوی با دادن اولتیماتوم ۲۴ ساعته آماده تا بودند تمامی خاک این کشور را با سلاح های تخریب جمعی به نام «دفاع از حقوق بشر» به خاک و خون بکشند، ولی امروز در برابر جنایات نظامیان اندونزی تنها به شعار های تو خالی اکتفا می کنند. در این میان مواضع عمیقاً ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از «حکومت اسلامی» جنایتکاران حاکم بر اندونزی نیز قابل تأمل است که ارتشیان خونریز و آدمکش «مسلمان» در اندونزی باید در مقابل مردم عادی، مسیحی و خواهان آزادی تیمور شرقی مورد حمایت و همبستگی «اسلامی» قرار گیرند.

حزب توده ایران همراه با سایر نیروهای ترقی خواه در جهان خواستار استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، خروج نیروهای ارتش و پلیس اندونزی از تیمور شرقی، خلع سلاح گروه های شبه نظامی، و دستگیری و محاکمه عتلی رهبران و سرکردگان حملات اخیر است. ما ضمن محکوم کردن اعمال جنایت کارانه نظامیان حاکم در جا کارتا هر گونه تغییری در ترکیب دولت اندونزی را که موجب جلوگیری از روند انتخاب رئیس جمهوری جدید در راستای آراء انتخابات خرد دامه باشد ترفندی بر ضد منافع مردم اندونزی تلقی می کنیم. ما از بازگشت کساناناگوسامو و همه انقلابیون تیمور شرقی به وطن خود و برپایی یک کشور دموکراتیک و مستقل در تیمور شرقی حمایت می کنیم.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۰ شهریور ۱۳۷۸ (۱۰ سپتامبر ۱۹۹۹)



## ادامه بحثی پیرامون علل و ...

تمکین در برابر «ولایت فقیه» نیز اجازه نمی دهد که در مقاطع حساس و سرنوشت ساز از انبوه میلیونی توده ها برای ایجاد تحرک و تغییر در جامعه متکی شود. در همین روزهایی که آقای خاتمی این نظرات را به اطلاع مردم می رساند، هاشمی رفسنجانی، پدر فکری جریان کارگزاران سازندگی که بخش عمده ای از دولت خاتمی را در اختیار دارد، برنامه «توسعه سیاسی» را «بازی سیاسی» می نامد و با تأکید بر «اسلامیت و ولایت» به عنوان دورکن «نظام» عملاً دولت را به فراموش کردن برنامه «توسعه سیاسی» و توجه به امر «مقدس سازندگی» فرا می خواند و با تهدید مخالفان می گوید: «امت، رهبری و مسئولان، همگی از اصول اسلام حمایت می کنند و کسانی که می خواهند جسارت کنند، غیر از اینکه برای خودشان خسارت بیسازند، کاری از پیش نخواهند برد» (خبرگزاری جمهوری اسلامی - ایرنا، جمعه ۱۲ شهریور ۱۳۷۸).

البته نتیجه گیری در این مورد که چرا یک «نظام مردم سالار» در میهن ما مستقر نشده است نه تنها کار دشواری نیست بلکه در سال های اخیر انبوهی از مقالات و نوشته ها در این زمینه نگاشته شده است و از جمله حزب توده ایران در این زمینه نظرات روشنی ارائه کرده است. ما در آستانه بیست سالگی انقلاب بهمین اشاره کردیم که خیانت آشکار سران رژیم به آرمان های انقلاب بهمین، یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، به جای یک حکومت دموکراتیک، رژیم «ولایت فقیه»، یعنی عقب مانده ترین و واپس گرا ترین شکل حکومت استبدادی را بر میهن ما حاکم کرد و فاجعه کنونی را برای میهن ما بار آورد. زمینه های نظری چنین دیکتاتوری بی را نیز هر روزه می توان در عملکرد رژیم و در سخنرانی های گوناگون «ولی فقیه» و انصار استبداد که به عنوان دستور العمل صادر می شود، ملاحظه کرد. از جمله محد تقی مصباح یزدی، یکی از نظریه پردازان رژیم در رد هرگونه حرکتی به سمت یک حکومت متکی به مردم و نام گذاری مدافعان آزادی به «مخالفان اسلام» می گوید: «اسلام به هر مسلمانی حق داده است که وقتی دید شخصی به مقدسات اسلام توهین می کند، خورش را بریزد. این حکم اسلام است، دادگاه هم نمی خواهد تمام علمای اسلام گفته اند» (همانجا). و البته بر واضح است که همین «علماء» بودند که حکم ریختن خون هزاران زندانی سیاسی را در جریان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ صادر کردند و در دو سال گذشته فعالانه در امر صدور حکم «ارتداد» و در پی آن ترور فروورها، مختاری، پوینده و شریف و ده ها دانشجوی مبارز و آزادی خواه در کوی دانشگاه تهران شرکت داشته اند. مهدوی کنی، از چهره های مشهور و بسیار با نفوذ جناح راست که به فراماسون بودن نیز مشهور است در سخنان مشابهی ضمن تهدید مردم دولت خاتمی را نیز تهدید کرد و گفت: «من به جناب آقای رئیس جمهوری تذکر داده ام پاسداران دین کسانی هستند که تعصب دینی دارند، عده ای کاری نکنند که احساسات متدینین جریحه دار شود...» و سپس در اشاره به نامه تهدید کودتای سران سپاه و در حمایت از آن افزود: «متدینین بخاطر اطاعت از مقام معظم رهبری و برای پرهیز از تنش در جامعه اسلامی سکوت کرده اند... اگر احساسات کسانی که غیرت دینی دارند جریحه دار شود خدای نکرده ممکن است اقدامی کنند که برای حکومت اسلامی مطلوب نیست» (روزنامه اطلاعات، به نقل از روزنامه اطلاعات بین المللی، دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۷۸).

واقعیت انکار ناپذیری که در دو سال گذشته روبه

روی مردم ما قرار داشته است این است که سران رژیم «ولایت فقیه» آشکارا تصمیم خود را مبنی بر جلوگیری از تحقق خواست انبوه میلیونی توده های شرکت کننده در انتخابات دوم خرداد برای گسستن از برنامه «هر چه بیشتر اسلامی کردن جامعه» (که از سوی نماینده انتخاباتی «ولی فقیه»، ناطق نوری طرح می شد) اعلام کرده اند. خوانندگان «نامه مردم» به یاد دارند که حزب توده ایران با روشن بینی در همان فردای پیروزی انتخابات دوم خرداد ماه (و در فضایی که عده ای کار را تمام شده می دانستند و از جمله برخی از نیروهای اپوزیسیون از تحقق آزادی و مردم سالاری در ایران خبر می دادند) در زمینه مشکلات جدی تحقق جامعه مدنی هشدار داد، و نوشت: «آنچه از هم اکنون روشن است، این حقیقت است که رهبری رژیم «ولایت فقیه» علی رغم خواست عظیم توده ها به انجام تغییرات دموکراتیک، مصمم است به سیاست های خود ادامه دهد و سد راه هرگونه تغییر اساسی در سمت و سوی حرکت جامعه ما باشد. پیام خامنه ای پس از انتخابات و سخنان رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران خارجی و انکار خواست آشکار مردم برای تغییر سیاست های ضد مردمی، نشانگر این تمایل رژیم و سران آن است. امروز در مقابل امید و آرزوهای توده های میلیونی مردم، همان افراد و نهادهایی ایستاده اند که در ۱۸ سال گذشته با خیانت آشکار به آرمان های انقلاب بهمین - آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی - جامعه ما را به لبه پرتگاه کنونی سوق دادند و چنین شرایط دهشتناکی را به مردم میهن ما تحمیل کردند.» (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۵ خرداد ۷۶، به نقل از «نامه مردم» شماره ۵۰۷، ۱۳ خرداد ۱۳۷۶).

امروز با همه تحولاتی که در دو سال گذشته رخ داده است کم تر نیروی سیاسی بی را می توان سراغ کرد، از جمله شمار زیادی از طرفداران دولت خاتمی که به همان نتیجه گیری بی که حزب ما دو سال پیش بدان رسیده بود، نرسیده باشد. امروز برای اکثریت مردم مثل روز روشن است که عمده ترین سد تحول برای توسعه سیاسی جامعه، سازندگی اقتصادی و خروج جامعه از بحران، ساختار حکومتی ایران است که بر اساس سلطه مطلقه یک فرد بر فراز قانون و حتی قانون اساسی کشور استوار است. در حالی که رئیس قوه مجریه از تحمل نظرات مخالف سخن می گوید، ولی فقیه رژیم که رئیس جمهوری باید به او تأسی کند علیه مخالفان حکم «ارتداد» می دهد (یعنی همان حکمی که در زندان های رژیم صد ها زندانی سیاسی را به سبب آن به حوخته های اعدام سپردند)، و «علمای اسلام» مدافع «ولی فقیه» ریختن خون مخالفان را امری بدیهی که نیازمند هیچ دادگاهی نیست می دانند. بحران سیاسی دولت خاتمی از آنجا ناشی می شود که دولت او عملاً اهرم های قدرت را در اختیار ندارد و به دلیل ماهیت مماشات گرایانه و در قبال اصول ضد مردمی و ضد دموکراتیک حاکم بر رژیم ولایت فقیه حاضر نیست برای پیش برد برنامه خود به بیست میلیون ایرانی که به او رأی داده اند رجوع و یا اتکاء کند. به عنوان نمونه در حالی که دولت خاتمی بستن روزنامه نشاط را غیر قانونی می داند، قوه قضائیه یعنی، قوه ناظر بر اجرای قانون حکم بستن روزنامه را صادر می کند و «ولی فقیه» نویسندگان آن را به «ارتداد» و قتل تهدید می کند. مشکل این است که بیش از یک سال پس از ترور نفرت انگیز مبارزان راه آزادی و با آنکه روشن است که این عمل توسط جنایتکاران وزارت اطلاعات انجام گرفته است نه تنها هیچ تغییری در ساختار اداری و قدرت نیروهای انتظامی صورت نگرفته است، بلکه این نیروها زیر رهبری مستقیم

«ولی فقیه» به همان اعمال جنایتکارانه ادامه می دهند و عوامل آنها در ۱۸ تیرماه آن جنایات را در کوی دانشگاه تهران سازمان دهی می کنند و آن وقت رئیس مجلس رژیم نیز از بی مهری به «نیروهای انتظامی» یعنی جنایتکاران سازمان دهنده این اعمال شکایت می کند. به گفته شمس الواعظین، سردبیر روزنامه توقیف شده نشاط، در «دوسال و نیسی که از عمر دولت خاتمی می گذرد، ۶ روزنامه تعطیل شده است که بطور متوسط هر چهارماه یک روزنامه توقیف شده است.» وی با اشاره به اینکه در سال ۷۸، سه روزنامه توقیف شده که نشان دهنده شاخص عقب افتادگی حقوق بشر و حقوق مطبوعات در ایران است، می پرسد: «سوال ما از دولت خاتمی این است که چرا هزینه برقراری جامعه مدنی در ایران را فقط نهادهای مدنی پرداخت نمایند و ساخت سیاسی کشور در این زمینه هیچ هزینه ای نکنند» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، ۱۵ شهریور ۱۳۷۸).

پاسخ این سؤال به گمان ما روشن است. اساس حرکت دولت خاتمی در تمامی این دو سال تلاش برای رسیدن توافق با جناح مقابل برای گرفتن اجازه و تمایل طرف مقابل برای اجرای برنامه های دولت بوده است ولی این تاکتیک عمدتاً با اقبال چندانی روبه رو نبوده است. گشایش در جامعه ما زیر فشار خرد کننده خواست میلیونی توده ها اتفاق افتاده است و تنها با اتکاء به همین نیرو و استفاده هشیارانه از آن است که می توان گام های اساسی در زمینه تحقق جامعه مدنی برداشت. انتظار به توافق رسیدن در زمینه اجرای جامعه مدنی با اشخاصی همچون مصباح یزدی، مهدوی کنی، ولی فقیه و کلان سرمایه داری بازار و فرماندهان سپاه، که در طول بیست سال گذشته نه تنها در انبوه جنایات رژیم شرکت مستقیم داشته اند بلکه به دلیل سوء استفاده از امکانات خود به میلیاردها تومان ثروت باد آورده دست یافته اند، تنها آب در هاون سائیدن است. سران ارتجاع روشن کرده اند که دولت خاتمی را تا آنجا تحمل خواهند کرد که به اساس «نظام» استبداد کاری نداشته باشد. جنبش مترقی و آزادی خواهانه کشور از دو سال گذشته درس های مهمی آموخته است. اتحاد عمل نیروهای مترقی و آزادی خواه، انسجام و سازمان یافتگی و تلاش برای ایجاد یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری در مقابل جبهه واحد ارتجاع، یگانه راه حرکت به جلو در اوضاع کنونی است. البته این بدان معنا نیست که ما منکر برخوردها در درون و پیرامون حاکمیت بر سر تعیین راه رشد سیاسی و اقتصادی آینده ایرانیم و یا بر این باوریم که این برخوردها تأثیری در تعیین این آینده ندارد، بلکه بر عکس، معتقدیم که جبهه مدافعان آزادی و توسعه سیاسی و مدافعان عدالت اجتماعی را باید هرچه بیشتر گسترش داد. در تحلیل نهایی این توده ها هستند که حرف آخر را خواهند زد و سرنوشت تاریخی نیروهای سیاسی نیز در تحلیل نهایی جایگاه آنان در مقابل و یا در کنار جنبش مردمی تعیین خواهد کرد. در اوضاع حاضر مهم ترین وظیفه تشدید مبارزه بر ضد مدافعان استبداد، افشای سیمای کزبه و ضد مردمی آن و در عین حال بسیج و سازمان دهی توده ای برای گسترش مبارزه مستقل توده هاست.



**بررسی  
رویدادهای  
جهان**



**توافق نامه جدید صلح خاورمیانه**

بر اساس توافق نامه جدید که تحت نام «وای - ۲» ادامه توافق «رودخانه وای» که در مهرماه گذشته بین دولت پیشین اسرائیل و فلسطینی ها امضاء گردید، ۳۵۰ زندانی سیاسی فلسطینی از زندانها آزاد شده و ۷ درصد اراضی کرانه غربی در ظرف ۸ روز تحت کنترل مقامات فلسطینی قرار خواهد گرفت. تعداد تعیین نشده ای از زندانیان فلسطینی نیز در آذرماه و قبل از ماه رمضان آزاد خواهند شد. در مرحله بعدی قرار است که ۱۱ درصد دیگر اراضی کرانه غربی به مقامات فلسطینی بازگردانده شود. توافق بر سر آزادی زندانیان سیاسی فلسطینی از مشکل ترین بخش های مذاکرات میان دو طرف بود، که چندین بار در آخرین لحظات با بحران جدی روبه رو گردید. اسرائیل از آزاد کردن زندانیانی که متهم به قتل اتباع اسرائیلی اند و یا زندانیان وابسته به جنبش اسلامی حماس و یا «جهاد اسلامی» که حکومت خودگردان فلسطینی به رهبری یاسر عرفات را قبول ندارند، سرباز زده است. پارلمان اسرائیل در روز ۱۷ شهریورماه موافقت نامه «وای - ۲» را تصویب کرد. اهودباراک در سخنرانی خود در پارلمان، به هنگام ارائه موافقت نامه، در اشاره به دشواری قبول عقب نشینی اسرائیلی ها از مواضع خود در رابطه با تشکیل کشور مستقل فلسطینی گفت: «در عمق قلب ما، درد عمیقی وجود دارد. اما برای تضمین آینده، حاکمیت و قدرت اسرائیل، ما می باید تصمیماتی دشوار و گاه دردناک بگیریم که به خاطر صلح از فلسطینی ها جدا بشویم». یاسر عرفات اظهار داشت که او از حمایت گسترده بین المللی از جمله ایالات متحده در مورد اعلام تأسیس کشور مستقل فلسطینی برخوردار است. صائب اریقا، رهبر هیئت فلسطینی در جریان مذاکرات گفت که بر طبق موافقت نامه جدید ما نمی توانیم قبل از سپتامبر سال ۲۰۰۰ تا سیس کشور مستقل فلسطینی را اعلام بکنیم و در صورتی که مذاکرات برای صلح کامل تا آن زمان به انجام نرسد «ما حق کامل برای اعلام یک کشور مستقل پس از آن تاریخ را داریم».

• نخست وزیر اردن در روز ۷ شهریورماه اعلام کرد که این کشور حاضر است که مسئولیت مذهبی خود در قبال اماکن مقدس در بیت المقدس را به مقامات فلسطینی خودگردان تفویض کند. وی در مصاحبه ای با یک ایستگاه رادیویی عربستان سعودی اظهار داشت: «اگر برادران فلسطینی ما خواهان تحویل این مسئولیت اند، اردن حاضر است که مسئولیت خود را به آنها واگذار کند.» او اضافه کرد: «علاقه ما به بیت المقدس بخاطر این است که ما بخشی از این ملت هستیم و ما آلترناتیوی برای برادران فلسطینی مان نیستیم.»

**بخشش، مصالحه و توافق مدنی، در الجزایر**

پرزیدنت عبدالعزیز بوتافلیقه، رئیس جمهوری الجزایر در روز ۷ شهریورماه، اظهار داشت در صورتی که شورشیان مسلمان، که در ۷ سال اخیر درگیر جنگ مسلحانه با دولت بوده اند، خود را تسلیم کنند، «صرف نظر از جنایات شان، از مجازات اعدام معاف خواهند بود». بوتافلیقه پیشنهاد خود را در چهارچوب یک طرح صلح که قرار است در ۲۵ شهریورماه به فرانسدم گذاشته شود، مطرح کرد. رئیس جمهوری الجزایر تصریح کرد که این تضمین معادل یک عفو عمومی نیست چرا که قربانیان بیش از ۷ سال خشونت که در جریان آن ۱۰۰/۰۰۰ نفر کشته شده اند مستحق توجه و احقاق حقتشان از سوی مقامات دولتی اند. پرزیدنت بوتافلیقه که استقرار صلح در الجزایر را ارجحیت عمده و اصلی خود قرار داده، تا کنون هزاران تن از شورشیان را بر پایه طرح صلحی که او در خردادماه با «ارتش نجات اسلامی، امضاء کرد، مورد بخشش قرار داده است. فرمان عفو شامل «آنانی که دستهایشان آلوده به خون است و یا آنانی که به تجاوز دست زده اند» نمی شود. مقامات رسمی متذکر شده اند که در کوششی برای متقاعد کردن چریک های بنیادگرای اسلامی به تسلیم به مقامات دولتی، قانون «توافق مدنی» که هم اکنون توسط پارلمان تصویب شده است برای آنهایی که شامل عفو نمی شوند یک حد اکثر مجازات ۲۰ سال قائل شده است. گروه های رادیکال، «گروه مسلح اسلامی» و «دعوت و جهاد» با تشدید فعالیت های خود که از خردادماه به قیمت جان ۳۰۰ نفر تمام شده، پاسخ منفی خود را به طرح صلح رئیس جمهوری داده اند بوتافلیقه گفته است که مقامات رسمی بدون هیچ ترحمی با شورشیانی که هنوز به خشونت ادامه بدهند برخورد خواهد کرد. منتقدان بوتافلیقه اظهار می دارند که قانون جدید و فرانسدم آتی کوشش او برای مشروعیت بخشیدن به انتخاب او در جریان انتخاباتی در فروردین ماه بود که همه ۶ کاندیدای رقیب خود را از فهرست انتخابات خارج ساختند.

**سیاست فرهنگی ترکیه**

رهبران حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک.) اظهارات اخیر مقامات بلند پایه رسمی ترکیه در رابطه با موضوع مهم و حساس حقوق فرهنگی اکراد این کشور را مثبت دانسته و از آن استقبال کردند. عبدالله اوجالان، رهبر زندانی و محکوم به مرگ «پ.ک.ک.» اظهارات ژنرال عالی رتبه ترکیه را به مثابه «قدمی مثبت در توسعه آزادی های فرهنگی و دموکراتیزاسیون» تفسیر کرد. ژنرال حسین کیوریک اوقولو، رئیس ستاد ارتش ترکیه در روز ۱۳ شهریور اظهار داشته بود که «پ.ک.ک.» از هدف اصلی خود برای کسب خودگردانی منطقه کردنشین در جنوب شرقی ترکیه دست برداشته است. او مدعی شد: «آنها طالب یک فدراسیون نیستند. آنچه آنها می خواهند برخی حقوق فرهنگی است. بعضی از این خواست ها هم اکنون هم جاری است.» عبدالله اوجالان، که در انتظار رای دادگاه فرجام خود برضد حکم اعدام، در زندان بسر می برد با استقبال از اظهارات ژنرال کیوریک اوقولو گفت: «این یک گام مثبت برای دوران صلح و برادری است که ما می خواهیم توسعه بدهیم... قدمی مثبت در توسعه آزادی های فرهنگی و دموکراتیزاسیون.» در اظهاراتی جداگانه فرماندهان نیروهای چریکی «پ.ک.ک.» به طور مشابهی از اظهارات یک قاضی عالی رتبه ترکیه که قانون اساسی جاری ترکیه را غیردموکراتیک و نیازمند تجدیدنظر کامل دانست، حمایت کردند. سامی سلجوق، قاضی عالی دادگاه فرجام، خواستار قانون اساسی ای شد که آزادی بیان را سرکوب نکند. محافل آگاه معتقدند که سخنان کیوریک اوقولو و سلجوق آگاهانه و با هدف تقلیل فشار محافل دموکراتیک جهان که از نقض حقن حقوق بشر در این کشور اروپایی عضو ناتو انتقاد دارند، بیان شده است. در بیانیه ای که از سوی رهبری «پ.ک.ک.» صادر شد، گفته می شود: «ما، در مقام یک حزب ویک خلق، آماده ایم که با سربلندی در ترکیه ای بر پایه خطوط اساسی ای که قاضی عالی رتبه دادگاه فرجام ترسیم کرد، زندگی کنیم.» سامی سلجوق، قاضی عالی دادگاه فرجام ترکیه در روز ۱۵ شهریور قانون اساسی ترکیه را که پس از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ تدوین شده، مانع آزادی های دموکراتیک خواند و خواهان تغییر آن گردید. سلجوق که در مراسم شروع سال قضایی در ترکیه برای قضات سخن می گفت، اضافه کرد: «ترکیه نمی تواند با قانون اساسی ای که مشروعیت آن تقریباً صفر است، به قرن جدید وارد شود.» محدودیت در مورد حق بیان که موجب زندانی شدن بسیاری از نویسندگان و سیاستمداران شده است، از سوی اتحادیه اروپا به عنوان دلیل عدم قبول عضویت ترکیه اعلام شده است. سلجوق در اشاره به نواقص و اشکالات قانون اساسی فعلی، که در دوران حکومت نظامیان بین سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳ تدوین شده و در سال ۱۹۹۲ به مورد اجرا گذاشته شده، گفت: «اولاً قانون اساسی توسط دولتی که با آراء آزادانه مردم انتخاب شده باشد، پایه ریزی نشد.» بولنت اجویت، نخست وزیر، و سلیمان دمیرل، رئیس جمهوری ترکیه در بین حضاری که سخنان سلجوق را شنیدند، حضور داشتند. اجویت گفت: «این سخنرانی بسیار با اهمیتی بود... او مسائلی را مورد ارزیابی

قرار داده که باید با دقت و حوصله از طرف مردم و جامعه مورد بازبینی قرار گیرند.»

**اصلاحات اقتصادی در چین!**

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در اقدامی برای حل معضل شرکت های دولتی ناموفق که سوددهی ندارند، پلنوم فوق العاده چهار روزه ای را در روز ۲۸ شهریورماه برگزار خواهد کرد. آژانس خبری رسمی چین اظهار داشت که، پلنوم «در مورد موضوع های عمده ای در رابطه با تجدید ساختار و توسعه شرکت های دولتی تصمیم گیری خواهد کرد.» ماه گذشته، روزنامه «مردم»، ارگان رسمی حزب کمونیست چین، به نقل قول از پرزیدنت زیان زمین گفت که چین از سرمایه غیردولتی، تجدید ساختار دارایی ها و سیستم مبتنی بر سهام، برای ایجاد رفورم در شرکت های دولتی استفاده خواهد کرد. پرزیدنت جیانگ خواستار اصلاحات در جهت بازار برای حل کاهش بازدهی اقتصادی، بدهی های سنگین و کارگران اضافی در شرکت های دولتی شد. اما او تصریح کرد که، دولت می باید «نقش مسلط در بخش های مهم و عرصه های کلیدی بازی کند.» در سالهای اخیر هزاران موسسه دولتی در چین میلیون ها نفر از کارکنان خود را اخراج کرده اند اما مشکل بازدهی اقتصادی حل نشده است. در سال اخیر برخی از اقتصاددانان چینی صریحاً خواستار شده اند که دولت نقش خود در صنایع غیرزیربنایی را به طور استراتژیک تقلیل داده و فقط کنترل بخش های حیاتی نظیر انرژی و صنایع زیربنایی را حفظ کند.

**پلنوم حزب کمونیست ویتنام**

کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، در هفته آخر مردادماه، پلنوم ۷ روزه خود را که در جریان آن تصمیم های عمده ای در رابطه با جهت گیری های اقتصادی و سیاسی کشور اتخاذ گردید، به پایان رساند. رفیق لی خا فیو، رهبر حزب برادر، در سخنرانی پایانی خود هفت وظیفه فوری حزب را در دوران آتی مورد تأکید قرار داد. این وظایف از جمله مشتمل اند بر «تقویت متوازن نقش پیشاهنگ حزب در همه عرصه های زندگی اجتماعی، حفظ ثبات سیاسی و نیابت بر برداشتن گام های استوار به سوی سوسیالیسم». رفیق فیو در سخنرانی خود متذکر شد: «مردم ویتنام فقط یک خواسته عمده دارند، حرکت در مسیر استقلال ملی و سوسیالیسم.» «مردم عمیقاً درک می کنند که فقط تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام است که این هدف و خواسته قابل وصول است.» رفیق فیو چندین اشاره تاریخی به ضرورت حیاتی نقش حزب کرده و اضافه کرد که سیستم سیاسی ویتنام غیرقابل تغییر است. او تصریح کرد: «مردم ما هیچ گونه مشارکتی در قدرت سیاسی را با هیچ نیروی دیگری اجازه نخواهند داد. هرگونه ایده ای برای ارتقاء «دموکراسی مطلق» ارجحیت دادن به حقوق بشر در مقابل و به قیمت حق حاکمیت ملی و یا حمایت از سیستم چند حزبی و پلورالیسم دروغ و تیرنگ است.»



## در نقد نظریه دفاع از «تجارت آزاد»

مقامات دولتی و کارفرما دفاع می‌کنند.

با وجود این، تضییقات برضد اعتصاب و رهبران آن ادامه دارد. انگار که هیچ‌گونه قدرتی دولتی بی‌وجود ندارد. یک گروه سناتورهای فدرال که در اردیبهشت ماه تحقیقی را در این باره سازمان دادند، اوضاع را از لحاظ سیاسی در حال بحران رشد یابنده ارزیابی کرده‌اند.

سناتور روزا گارابیتو، به نمایندگی از سوی گروه، اعلام کرد که «نقض حکومت قانون به واسطه اقدامات مقامات مسئول نمایشگر سربیزی غیرقابل قبول است که ما نمی‌توانیم تحمل بکنیم... ما پایان ف دادن فوری و مشخص ظلم را خواستاریم.»

رائول رامیرز، عضو آکادمی حقوق بشر کالیفرنیا، اخطار کرد: «دولت با گردن نهادن به وسوسه استفاده از زور، در معرض نقض قانون اساسی و قانون کار فدرال است...»

موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (فتا)، به گفته منتقدانش در حالی که سرمایه‌گذاری خارجی را تشویق می‌کند هیچ اثری در حفاظت از حقوق کارگران نداشته است. بیش از ۱۵ شکایت در چهارچوب موافقت نامه جنبی کارگری، موافقت نامه همکاری کارگری در آمریکای شمالی، تسلیم شده است رسیدگی به این شکایات نشان داده است که قانون کار مکزیک در حوالی مرز اجرا نمی‌شود. در سال گذشته دولت مکزیک و همچنین حزب محافظه کار اقدام ملی که در تیخوانا و باجا کالیفرنیا کنترل دولت محلی را به دست دارد پیشنهاداتی مبنی بر محدود کردن قوانین حافظ کارگران مکزیک را مطرح ساخته است. دیوید بوئیور- نماینده جمهوری خواه کنگره که یکی از سرسخت ترین منتقدان فتا می‌باشد، از اعتصاب هان یانگ برای بسیج مخالفان ماده قانونی پیشنهادی از سوی دولت کلینتون که متضمن گسترش فتا بود، و شکست آن استفاده کرد. بوئیور یک سال قبل برای مشاهده عملی آثار پیمان فتا یک اتوبوس پر از نمایندگان کنگره را به مرز مکزیک برد. بوئیور اخیراً گفت: «روند فتا در رابطه با نقض بالقوه حقوق کارگران کاملاً غیرکافی است.» نمونه هان یانگ «نشان می‌دهد که عملاً غیرممکن است که در منطقه مرزی ماکوئیلادور در مکزیک اتحادیه‌های کارگری مستقل ایجاد کرد. ما نیاز داریم که فتا را اصلاح کنیم تا کارگران در ایالات متحده - مکزیک و کانادا به موازات و مانند حق مالکیت ایده و فرآورده‌های فکری محافظت شوند.»

در مباحثات جاری در کشور ما، کم نیستند آنانی که سیاست درهای باز و ورود سرمایه خارجی را با تنش زدایی در روابط خارجی اشتباه گرفته‌اند و شدیداً اولی را تبلیغ می‌کنند. تاسف بار اینست که پاره‌ای از این محافل بحث خود در دفاع از تجارت آزاد و ورود سرمایه خارجی و تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری در کشور را بر پایه تبعات نیکویی که گویا چنین امری برای «توسعه سیاسی» در کشور به دنبال خواهد داشت، توجیه می‌کنند. در جهان نمونه‌های چندی را می‌توان مثال زد که تجارت آزاد و سیاست درهای باز نه تنها به توسعه سیاسی و تحقق حقوق پایه‌ای مردم آنجا کمکی نکرده بلکه به عامل بند زدن به دست و پای طبقه کارگر و نیروهای تحول طلب بدل شده است. مکزیک و شیلی دو نمونه برجسته این امرند. در مقاله حاضر که با استفاده از مقاله‌ای منتشر شده در هفته نامه «جهان مردم» - ارگان حزب کمونیست آمریکا - تهیه شده، تجربه مکزیک مورد توجه قرار گرفته است. حامیان و مدافعان حقوق کارگری در آمریکا و مکزیک اظهار نگرانی کرده‌اند که سیاست‌های دولت مکزیک در تشویق سرمایه‌گذاری خارجی باعث تضعیف حقوق کارگران مکزیک و همچنین سیستم قانونی ای شده است که به لحاظ تاریخی از آنها محافظت می‌کرده.

طبق نظر پروفیسور هارلی شایکن از دانشگاه کالیفرنیا، «بازدهی کار ماکوئیلادور» (مناطق تولیدی تجارت آزاد در مکزیک که در مجاورت مرز آن با آمریکا قرار دارند) با کارخانه‌های ایالات متحده رقابت می‌کند، اما آنها کالاهای با کیفیت درجه یک را، درست در همسایگی بازار آمریکا، با دستمزدهای جهان سوم تولید می‌کنند. این مشوق قدرتمندی برای کمپانی‌هاست تا در مکزیک کارخانه بسازند، دولت مکزیک جو سرمایه‌گذاری بی‌ايجاد کرده که متکی بر تعداد وسیعی از مزدبگیران کم حقوق است. عامل کلیدی برای حفظ دستمزدهای پایین، ایجاد سیستم سندیکیایی طرفدار کارفرماست که از سوی دولت تشویق می‌شود. این نوع سندیکیاها قراردادهای کاری بی‌قبول می‌کنند که به ضرر منافع کارگران است و از سوی فعالان واقعی اتحادیه‌ای مورد انتقاد قرار می‌گیرند. کارگران غالباً اطلاع ندارند که اتحادیه‌ای دارند، چرا که هیچ جلسه‌ای برگزار نمی‌شود، و مسئولان اتحادیه کاری به دفاع از حقوق کارگران ندارند. جیسوس کامپوس لیباس، رئیس وکلای حقوق کارگری مکزیک، اظهار می‌دارد که هزاران قرارداد این جنبی وجود دارد. او اضافه می‌کند: «دولت در اساس از یک چنین فدراسیون‌های سندیکیایی ای برای جمع آوری آراء در هنگام انتخابات استفاده می‌کند. کمپانی‌ها مبالغ هنگفتی به رهبران چنین سندیکیاهایی پرداخت می‌کنند و در مقابل خواستار آرامش در محیط کاری‌اند.»

اکنون دو سال است که کارگران در کارخانه هان یانگ، واقع در تیخوانا، که تولیدکننده شاسی کامیون برای کمپانی هایوندای است به مقابله با چنین سیستمی برخاسته‌اند. آنها اتحادیه کارگری مستقلی تشکیل داده و بیش از یک سال در حالت اعتصاب بوده‌اند و این اولین اعتصاب کارگری در تاریخ ماکوئیلادور است. اتحادیه آنان پیشنهاد کرده است که حقوق‌ها در ماکوئیلادور از سطح ۶۰ - ۵۰ پزوی کنونی در روز به ۱۰۰ پزو افزایش یابد. هم شورای کارفرمایان مکزیک و هم مجمع صنایع ماکوئیلادوری اعتصاب را تهدیدی برضد سرمایه‌گذاری در طول مرز دانسته‌اند. آنها اظهار نگرانی کرده‌اند که در صورت پیروزی کارگران در کارخانه هان یانگ اتحادیه‌های کارگری مستقل ممکن است در دیگر کارخانه‌ها نیز بوجود آیند. دادگاه‌های مکزیک و مناطق مرزی در آمریکا رای داده‌اند که اعتصاب گران فقط حقوق قانونی شان را بر طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی مکزیک و نیز قانون کار فدرال می‌خواهند. اما برغم این اعتراف، بیش از یک سال است که پلیس شهر و منطقه، و مقام‌های دولتی طرفدار سرمایه‌گذاری مداوماً کوشش کرده‌اند که اعتصاب را سرکوب و رهبران آن را دستگیر کنند. دادگاه‌ها رای داده‌اند که چنین اقداماتی (از طرف پلیس) غیرقانونی است. و «سیستم عدالت جمهوری مکزیک از اتحادیه‌های کارگری مستقل و در مقابل اقدامات

### کمک‌های مالی رسیده

نیازی از آلمان ۵۰ مارک  
جمیله از آلمان ۳۵۰ مارک  
به یاد رفیق طبری، هومن از دانمارک ۵۰۰ کرون  
از هانوفر ۵۰ مارک

**آدرس‌ها:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:566**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

14 September 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۳۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹

حساب بانکی ما:

نام IRAN e. V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse





پروژه بنی صدر برای خاتمی

بر اساس گزارش روزنامه «اخبار اقتصاد»، سه شنبه ۲۰ شهریور، محمد علی ابیطحی رئیس دفتر سید محمد خاتمی در پاسخ به اظهارات حسینیان، از جمله گفت کسانی که طراحی دوران بنی صدر را می کنند آب در هاون می کوبند. بر اساس همین گزارش ابیطحی در جوابیه ای که به اظهارات حسینیان نوشته است از جمله ذکر کرده: «برای اولین بار در اواخر سال گذشته، بولتن بی نام و نشانی، از مجموعه بولتن هایی که برای فضا سازی های یک سویه به وفور یافت می شود به دستم رسید که در آن جناب حسینیان از قول بنده دو مساله را گفته بودند یکی این که مقام معظم رهبری در جایگاه امام نیستند و جناب آقای خاتمی هم بنی صدر نیستند و اگر اتفاقی بیفتد پشت رهبری هفت میلیون و رئیس جمهوری ۲۰ میلیون آرای مردم وجود دارد و نکته دوم اینکه دین در جامعه کسارتی ندارد و دیگر نمی توان روی دین سرمایه گذاری کرد...» ابیطحی ضمن کذب خواندن این سخنان نسبت داده شده به خودش در بخش دیگری از نامه اش اضافه می کند: «اعتقاد دارم بعضی از روش هایی که در طول سالیان قبل به نام اسلام و طرفداری از ولایت انجام شده است باعث زدگی و گریز بخشی از جامعه از دین و انقلاب بوده است...»

دفاع امام جمعه شیراز از احکام اعدام دانشجویان

حاجری شیرازی امام جمعه شیراز طی مراسمی در شهر همدان ضمن حمایت علنی از اقدامات سرکوبگرانه نیروهای تحت فرمان ولی فقیه، احکام صادره توسط پیدادگاههای رژیم ولایت فقیه برای دانشجویان مبارز را تأیید کرد.

نماینده ولی فقیه رژیم گفت: «بعضی از افراد می گویند اسلام ضد خشونت است و لذا برای جلوگیری از رفتن آبروی اسلام و متهم نشدن به خشونت باید برای کسانی که در جریان خشونت ها و شرارت های اخیر دستگیر شده اند و وابسته به اجنبی اند یک درجه تخفیف قابل شوم همان گونه که معمول عالم است که اعدام نمی کنند.» وی ادامه داد: «البته ظاهر قضیه دادن یک درجه تخفیف به این افراد است اما باطن قضیه داغ نگهداشتن تئور کودتا و توطئه است و این هم توطئه دیگری برای آزاد کردن زندانیها ست.» وی تأکید کرد: اگر این افراد «شور» اعدام بشوند آب

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

«... رهبری انقلاب با خیانت به آرمان ها و اهداف توده های میلیونی، یعنی برپا د ارندگان یکی از بزرگ ترین جنبش های اجتماعی - سیاسی قرن بیستم، امکان تاریخی بزرگ میهن ما را در دستیابی به آزادی، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی، ضایع کردند... این آزمون تاریخی، بیش از پیش، ورشکستگی نظری - اخلاقی این نیروها را در میهن ما به نمایش گذاشت، و نشان داد که «راه سومی»، که رهبران جمهوری اسلامی قول آن را به مردم می دادند، جز همان نظام سرمایه داری، این بار با روینایی عقب مانده و قرون وسطایی که در شکل دیکتاتوری «ولایت فقیه» خود را نمایان کرده است، چیز دیگری نیست. ایران در آستانه هزاره سوم، کشوری است اسیر دیکتاتوری، عقب مانده و محروم که در شرایط ادامه حکومت «ولایت فقیه»، وجود در سمت و سوی پیشرفت اجتماعی و دموکراسی، چشم اندازی ندارد. وجود میلیون ها تن بیکار، «زندگی» کردن بیش از نیمی از جمعیت در فقر و محرومیت کامل، اقتصاد تک محصولی، عدم وجود صنایع پایه ای برای نجات کشور از وابستگی، محروم بودن اکثریت عظیم جامعه از حقوق و آزادی های مدنی و دموکراتیک، سرکوب و وحشیانه حقوق اقلیت های ملی و مذهبی و زنان، و حاکمیت دیکتاتوری و استبداد خونریز، که نشان داده آماده است تا شبانه هزاران انسان شریف و مبارز راه آزادی را، برای تأمین و تضمین حیات خود، کشتار کند، بخشی از دستاوردهای سران جمهوری اسلامی برای مردم میهن ماست.»

از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

احکام جابرانه اعدام و زندان های طولی المدت برای دانشجویان مبارز و آزادی خواه، هدیه سال نو تحصیلی رژیم «ولایت فقیه» برای دانشجویان و دانش آموزان!

جهان» ادامه می دهند، بی دادگاه های ظلم رژیم «ولایت فقیه» با صدور حکم اعدام برای چهارتن از دانشجویان دستگیر شده در تهران، و احکام سنگین زندان برای ده ها تن از مبارزان دستگیر شده در تهران و تبریز، بار دیگر نشان دادند که برای حاکمیت بر میهن ما، راهی جز استبداد خشن و سرکوب آزادی اندیشه و دگراندیشان راهی نمی دانند و از این رو حاضرند به هر حيله و جنایتی، دست بزنند. برگزاری محاکمات فرمایشی دستگیر شدگان پشت درهای بسته و در زندان اوین و زندان تبریز، یادآور حرکات شرم آور مشابهی است که رژیم در تابستان سال ۱۳۶۷ در زندان های سراسر کشور سازمان دهی کرد، و در جلسات مسخره و فرمایشی به نام «دادگاه» در عرض چند دقیقه، احکام اعدام و کشتار جمعی هزاران زندانی سیاسی میهن ما را صادر کردند.

حزب توده ایران، همچون سایر نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن، این به اصطلاح «دادگاه های اسلامی انقلاب» و احکام صادره از سوی آنها را، غیرقانونی، ضد انسانی و در مغایرت آشکار حتی با قوانین قضائی جمهوری اسلامی دانسته، و برگزاری چنین دادگاه هایی را حداقل به صورت علنی خواهان است. تسلیم در مقابل این تهدیدها، و یورش جدید نیروهای ارتجاعی و مدافعان ریختن خون انسان ها بدون هیچ گونه محاکمه بی، بی شک عواقب بسیار مخربی برای جنبش آزادی خواهانه و مبارزان راه آزادی، از مسلمان تا دگراندیش، خواهد داشت. ارتجاع اگر بتواند امروز به راحتی و بدون هیچ گونه مقاومتی خون دانشجویان مبارز را، که تنها جرمش مقابله با جنایتکاران مهاجم و دفاع از آزادی است بر زمین بریزد، فردا نوبت گمان دیگری خواهند بود که به خود جرئت دهند با

ادامه در صفحه ۲



ضمیمه ۵۶۶، دوره هشتم  
سال شانزدهم، ۳۰ شهریور ۱۳۷۸

دانشجویان، دانش آموزان و هم میهنان عزیز!

در حالی که بیش از بیست میلیون دانش آموز، و دانشجوی خود را برای آغاز سال تحصیلی آماده می کنند، رژیم مردم ستیز «ولایت فقیه»، هراسناک از رشد جنبش ضد استبدادی در بین نوجوانان، جوانان و دانشجویان کشور، با صدور احکام جابرانه اعدام و زندان های طولی المدت برای شماری از دانشجویان آزادی خواه، در تهران و تبریز، در تلاش است تا با تشدید جو ارباب و سرکوب جنبش جوانان و دانشجویان را به تسلیم در مقابل خواست های نیروهای واپس گرا و ارتجاعی وادار کند. یورش وحشیانه مزدوران «ولی فقیه» و انصارش به کوی دانشگاه تهران، قتل دانشجویان و وحشی گری هایی که توسط سربازان «گمنام امام زمان» در خوابگاه دانشگاه تهران رخ داد، افکار عمومی میهن ما را بشدت تکان داد و آن چنان جوی از تنفر و انزجار را دامن زد که حتی آمران این توطئه را به محکوم کردن ظاهری این حرکات وادار کرد. دروغ بودن این اظهار «تأسف» های عوام فریبانه و «اشک تمساح ریختن» های غدارانه هنگامی نمایان شد که در پی مقاومت و مقابله جنبش دانشجویی با این جنایات، رژیم با گسیل کردن هزاران تن از مأموران تا بن دندان مسلح ضد شورش به محیط های آموزشی در سراسر ایران، هزاران دانشجوی مبارز را دستگیر و به شکنجه گاه های قرون وسطایی روانه کرده، و به «تمزیر» و خرد کردن جسم و روان مبارزان پرداخته اند.

در حالی که جنایت کارانی که دستور یورش خونین و وحشیانه مأموران امنیتی به دانشگاه ها را صادر کرده اند، در آزادی کامل به خدمت در راه «اسلام» و «نظام نمونه

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



## ادامه رویدادهای ایران

پاکی روی دست همه آنها ریخته می شود و هرکسی را که بخواند دعوت به شرارت کنند دیگر استقبال نمی شود. وی در جایی دیگر از سخنان خود با حمایت از مصباح یزدی، تنوریسین سرکوب و خشونت گفت: آیت الله مصباح هم حرف حق اسلام را می زند که این قاطمیت ها، خشونت منفی نیست. وی به الهی بودن ولایت فقیه اشاره کرد و گفت: این ولایت یک ولایت الهی است.

## روزنامه خرداد و دوران دوبرار و تحول آفرین، سردار سازندگی

روزنامه خرداد طی مقاله ای که جوابیه ای به دفتر تحکیم وحدت می باشد، ضمن دفاع از رفسنجانی و عملکرد هشت ساله دولت او، موضعگیری اخیر دفتر تحکیم وحدت در برابر رفسنجانی را مورد انتقاد قرار داده و می نویسد: «بیانیه شتابزده دفتر تحکیم وحدت که در پاسخ به اظهارات هفته گذشته جناب آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه منتشر شد همراهی و همسرایی هیچ یک از ناظران سیاسی، افراد منصف و حتی گروههای همگن را به بار نشاناند. خرداد ضمن دفاع دوباره از رفسنجانی و اینکه فردی است که بیشترین عمر خود را وقف انقلاب و آرمان های آن کرده ادامه می دهد: در باره دوره سازندگی حقیقتاً اگر ابعاد وسیع آن تشریح گردد یکی از دوران پر بار و تحول آفرین کشور محسوب می گردد. این نکته که جناب آقای هاشمی در نماز جمعه اظهار داشته اند: «زیر سوال بردن کارهای گذشته دردی را دوا نمی کند و باید به نقاط قوت تکیه شود» چه نقطه ابهامی داشته و دارد که با تمسک قرار دادن برخی پروژه های این دوره به یکباره خط بطلان بر روی همه دستاوردها کشده می شود؟» خرداد سپس با اشاره به بحران آسیای جنوب شرقی می نویسد: «مگر بعد از بحران آسیای جنوب شرقی مشاهده نشد که بسیاری از روزنامه های تازه تاسیس عملکرد گذشته را به لحاظ گرایش به طرف مدلی تقریباً شبیه آسیای جنوب شرقی به باد انتقاد گرفته و به زعم آن ها «این هم عاقبت مدل در پیش گرفته شده». اما عملاً همه شاهد بودیم که این کشورها چگونه از آن بحران خرد کننده به سلامت عبور کرده اند. دیگر شکی باقی نمانده است که علت اصلی بقای این کشورها زیر بنای محکم اقتصادی بوده که طی سالیان متمادی به وجود آمده است.» لازم به تذکر است در دوره هشت ساله ریاست جمهوری رفسنجانی و اجرای سیاست های صندوق بین المللی پول، مردم میهن ما در یکی از دشوارترین دوران ها از نظر معیشتی قرار گرفتند.

طی این دوران ایران با بیش از ۳۰ میلیارد دلار بدهی، به یکی دیگر از قربانیان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مبدل شد. بسیاری از کارخانه های کشور به دلیل کمبود ارز و مواد اولیه به رکود و تعطیلی کشانده شدند. دهها هزار نفر از کارگران و زحمتکشان کشورمان به همین دلایل از کار بیکار شدند. میلیون ها نفر از جوانان، بدون هیچ آینده ای ناامیدانه در جستجوی کار می باشند. این فجایع اقتصادی تنها گوشه ای از عملکردهای دولت رفسنجانی می باشد که حتی مقامات حکومتی هم آن را در موارد گوناگون تایید کرده اند.

با توجه به آنچه در بالا ذکر شد دفاع روزنامه «خرداد» از رفسنجانی را باید لایه در چارچوب حفظ «حرمت استوانه های نظام» ارزیابی کرد.

## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی...

ارتجاع و استبداد قرون وسطایی حاکم به مخالفت برخیزند. مقاومت و اعتراض همه جانبه به این احکام جابرانه و ضد انسانی وظیفه بی است انسانی که در مقابل همه نیروهای آزادی خواه و میهن دوست قرار دارد. تدارک یک کارزار جهانی وسیع برای افشای این مقاصد جنایت کارانه، اعتراض به سازمان های جهانی حقوق بشر، خصوصاً کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، و ایجاد فشار هر چه بیشتر به قصد جلوگیری از اجرای این احکام، در کنار سازمان دهی جنبش اعتراضی در درون میهن، یگانه راه نجات جان زندانیان سیاسی از توطئه بی شرمانه بی است که رژیم جعل و جنایت تدارک آن را می بیند.

## دانشجویان، دانش آموزان، کارگران و زحمت کشان ستم دیده و محروم، روزنامه نگاران و نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران انسان دوست، زنان آزاده و نیروهای مترقی و آزادی خواه!

تجربه دوسال گذشته، از دوم خرداد ۷۶ تا شهریور ۷۸، نشانگر یک واقعیت سرسخت و مهم است. رژیم استبدادی «ولایت فقیه» حاضر نیست به هیچ یک از خواست های میلیون ها ایرانی برای ایجاد تحولات مترقی در جامعه تن دهد. برای سران رژیم و نظریه پردازان آنها، مردم میهن ما مشتی «مهجوران» اند که نیازمند نظرات «فقهاتی» بر همه امورند، که حتی نباید اجازه داشته باشند تا نوع اندیشیدن، خواندن، نوشتن، لباس پوشیدن و در مجموع، زندگی روزانه خود را تعیین کنند. برای سران رژیم هرگونه تمییزی در این روش کشور مداری جرمی نابخشودنی است، و مرتکبان به آن به جرم «ارتداد» و مخالفت با «مقدسات» مستحق مرگند. امروز در حالی که فشارهای کمر شکن اقتصادی بنیه کشور را در هم کوبیده و ده ها میلیون انسان زحمت کش حتی از تأمین یک زندگی حداقل برای خود محرومند، میلیارد ها دلار هزینه صرف نگاه داری و بسط و گسترش نیروهای امنیتی و سرکوبگر، از سپاه پاسداران تا «انصار حزب الله» می شود، تا به گفته رهبر، «نظام را بیمه» کنند، و به عبارت روشن تر، جنبش مردم جان به لب رسیده میهن ما را به خاک و خون بکشند.

در این دوسال همچنین روشن شده است که، برای مستبدان حاکم حتی تحمل دولت خاتمی نیز حد و حدودی دارد. این تحمل تا آنجا مجاز است که دولت گوش به فرمان «ولی فقیه» باشد، در مقابل سرکوب و کشتار آزادی خواهان مهر سکوت به لب گیرد و هیچ گامی، هرچند کوچک، که موجب «تضمین نظام» گردد، برندارد. به عبارت روشن تر، برنامه «توسعه سیاسی» و استقرار جامعه «مدنی»، از آنجائی که می تواند پایه های جامعه «ولایتی» و استبدادی را متزلزل کند، باید به کناری افکنده شود و یا در کمیسیون های مختلف بررسی حوادث، از جمله قتل های زنجیره ای و حمله به کوی دانشگاه، در بایگانی های وزارت اطلاعات و قوه قضاییه پیوسد. تجربه دوسال گذشته نشان داده است که تنها با اتکاء به توان مردم و جنبش مردمی است که می توان رژیم حاکم را وادار به عقب نشینی کرد.

آغاز سال تحصیلی جدید، با توجه به اوضاع بشدت بحرانی و التهاب و تنش های موجود در موسسات آموزشی کشور، رویداد حساسی است که می تواند زمینه ساز تحولات مهمی در ماه های آینده باشد. رژیم با توجه به انتخابات مجلس ششم، مترصد است تا هنگام برگزاری این انتخابات، همه صداهای مخالف، چه در جنبش جوانان و دانشجویان و چه در میان روزنامه نگاران و روشنگران اجتماعی، را در هم بکوبد و در «فضایی آرام و با سکوت» به استقبال این انتخابات برود. ولی همه نشانه ها حاکی از ادامه مبارزه جوانان و دانشجویان و دیگر نیروهای مترقی میهن با این ترغندهاست. جنبش دانشجویی میهن ما تاریخ پرافتخاری از نبرد دلیرانه با ارتجاع و استبداد دارد. از ۱۶ آذر ۱۳۳۲، و به خون کشیده شدن اعتراض دانشجویان در تهران، توسط مزدوران شاه، تا ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ و پرورش وحشیانه مزدوران «ولی فقیه» به دانشجویان، این جنبش دانشجویی میهن ما بوده است که از آزمون تاریخی خود سربلند بیرون آمده است و این رژیم های استبدادی بوده اند که در لنگتگاه ابدی تاریخ بر کرسی اتهام جنایت و خیانت به منافع مردم و میهن محکوم گشته اند.

حزب توده ایران ضمن همبستگی رزم جوانان با جنبش جوانان و دانشجویان میهن و اعتراض شدید به احکام جابرانه بی دادگاه های رژیم، همه نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه میهن را به مبارزه مشترک با توطئه های استبداد حاکم فرا می خواند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» برای استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

درود پرشور به زندانیان سیاسی ایران!

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری در مقابل جبهه واحد ارتجاع!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۷ شهریور ماه ۱۳۷۸

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.  
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
Supplement to Nameh Mardom-NO 566  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

21st September 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانکی  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse